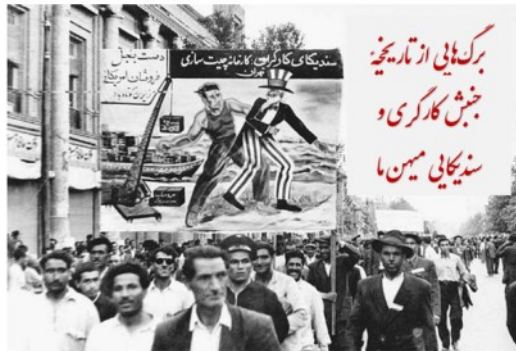


کارگران همه کشورها متحد شوید!

پویه پیدایش سندیکاهای کارگری
در ایران - بخش نهم

همان طور که پیش از این اشاره شد، از سال ۱۳۰۴ و با آغاز حکومت رضا شاه، فشارها به کارگران و اتحادیه‌ها بیش از پیش افزایش یافت و فعالیت‌های صنفی کارگران به‌مثابه جرم و جنایت به‌شمار می‌آمد. دیکتاتور در همان سال فعالیت شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای را که سازمان مرکز کارگران ایران بود را ممنوع اعلام کرد. با این وجود، در همان سال اتحادیه‌های کارگری تهران جشنی با شکوه



در تهران برگزار کردند.

در سال ۱۳۰۴ اعضای حزب کمونیست ایران توانستند در تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، انزلی، و کرمانشاه شعبه‌هایی را دایر کنند و در بیشتر شهرهای جنوبی نیز شبکه‌های زیرزمینی را به‌وجود آوردند. آنان علاوه بر آن‌ها بخش‌هایی ویژه را برای زنان، جوانان، ارامنه، و دانشجویان ایجاد کردند، ولی مهم‌تر از همه توانستند "شورای متحده اتحادیه کارگران" را تأسیس کنند.

ادامه در صفحه ۳

نامه
کارگری
ضمیمه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۵، ۲۳ مرداد ۱۴۰۲

پرستاران و مبارزه خستگی‌ناپذیر برای تأمین امنیت شغلی

خانم‌های در رأس نظام، در دهه‌های اخیر مسئول پروژه ارزیان‌سازی نیروی کار و نایب کردن امنیت شغلی پرستاران و دیگر زحمتکشان کشور بوده است؛ در دو سال اخیر نیز دولت رئیسی و مجلس همراهی کاملی در پیش‌برد این پروژه داشته‌اند. با تورم گام‌گسیخته و خط فقر ۳۰ میلیون تومان در ماه، پرستاران و کارکنان فوریت‌های پزشکی با میانگین دستمزد ماهانه ۱۰ میلیون تومان در ماه و کارانه‌هایی ناچیز، در مورد اجرای تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری بعد از ۱۵ سال وعده‌های رژیم گفتند: "تعرفه معروف به نظام پرستاری

ماه‌هاست که شکست خورده است. به‌علاوه پرستاران مهم‌ترین خواسته‌های خود را اصلاح قانون تعرفه‌گذاری، ترمیم دریافتی‌ها، برقراری فوق‌العاده خاص، عدم انجام اضافه‌کاری اجباری، و استخدام حداقل نیروی لازم عنوان کردند. در یک چنین شرایطی و در حالی که سایر پرسنل دانشگاه حقوق‌شان را دریافت کرده بودند، روز ۱۷ تیرماه سال جاری حدود هزار و هفتصد نفر از پرسنل شرکتی دانشگاه علوم پزشکی ایران‌شهر از دریافت نکردن سه ماه حقوق و مجبور بودن به پرداخت به صورت آزاد به خدمات درمانی خود خبر دادند.

بعد از جان باختن بیش از ۱۳۰ پرستار و کمک به بهبودی ۷ میلیون و ۶۱۲ تشخیص قطعی" در دوران همه‌گیری کرونا مطابق آمار رسمی بیش از ۱۷ هزار پرستار و هزاران نفر در کادر درمانی و پزشکی، خانه‌نشین شدند. در هفته‌های اخیر تعدادی از پرستاران طرحی با مراجعه به وزارت بهداشت خواستار روشن شدن تکلیف شغلی خود شده بودند. روز ۲۷ تیرماه "مدافعان سلامت طرحی دوران کرونا" خواستار "تبدیل وضعیت [شغلی] بدون آزمون... و عقد قرارداد مستقیم" شدند و گفتند: "پاداش زحمات ما یا انتظار و آزمون است؟" در بیش از دو سال اخیر کارگران رژیم در دولت و مجلس روی "بار مالی" داشتن یا نداشتن حذف پیمانکاران غارتگر به‌وسیله سامان‌دهی استخدام کارکنان دولت، دعوائی زرگری به‌راه انداخته بودند. به‌نظر می‌رسد به‌اصطلاح "ابهامات" طرح برطرف شده است و روز ۱۵ مردادماه یک کارگر پروژه‌ای صنعت نفت در این مورد گفت: "به‌نظر می‌رسد می‌خواهند تصویب طرح را به‌عنوان یک شعار انتخاباتی به مجلس بعد موکول کنند! اخیراً هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به‌دلیل عضویت میثم لطیفی، رئیس سازمان اداری و استخدامی و معاون رئیسی در "دانشگاه امام صادق به‌عنوان یک نهاد غیردولتی و غیرانتفاعی"، انتصاب میثمی به این سمت در شهریورماه ۱۴۰۰ را غیرقانونی اعلام کرده بود. به‌رغم دستور رئیس قوه قضائیه به "بررسی مجدد حکم" در ۳ مردادماه، هیئت عمومی دیوان روی "رای اولیه و نهایی خود" تأکید کرده و گفته بود: "لطیفی باید برود." در رسانه‌ها لطیفی به‌عنوان شخص ارائه دهنده مخالفت دولت با حذف پیمانکاران ظاهر می‌شد؛ و برخلاف رای صریح دیوان عدالت اداری، اخیراً رئیسی لطیفی را "قرارداد کار معین" کرده و او همچنان در منصب ریاست سازمان امور استخدامی کشور باقی مانده است. روز ۱۰ مردادماه یک پرستار شرکتی اصفهان که مدت‌هاست منتظر حذف پیمانکاران و قرارداد مستقیم شدن است از رئیسی پرسید: "فایده ریاست دوساله میثم لطیفی چه بود؟ چه دستاوردی برای مردم و نیروهای دولت داشت که بای ریاست او ایستاده‌اید و اجازه نمی‌دهید صندلی را رها کند؟" استثمار شدید نیروی کار از سوی رژیم ولایی صرفاً شامل حال پرستاران، معلمان، کارگران، و جز آنان نمی‌شود. یک پزشک متخصص طرحی که از سوی همکاران پزشکی برای مصاحبه معرفی شده بود، روز ۱۰ مردادماه مدت زمان تحصیل در دانشگاه خود و همکاران را "۱۵-۱۶ سال عنوان کرد و در گفتگویی با ایلنا گفت: "مسئله اصلی ما مشکلات معیشتی است... حقوق یک پزشک متخصص شاغل در بیمارستان دولتی، کفاف نیازهای اولیه زندگی‌اش را هم نمی‌دهد... تنها مبلغی که می‌توانیم روی آن حساب کنیم، حقوق ثابتی است که این حقوق برای پزشکان مجرد متخصص حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان و برای پزشکان متاهل حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون است." سیاست‌های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه عامل فاجعه فقر و فلاکت گسترده و فقدان امنیت شغلی زحمتکشان است. پرستاران و دیگر زحمتکشان بخش بهداشت و سلامت قربانی سیاست‌های ضدملی حکومت جمهوری اسلامی هستند.

تأملی بر انزوای
رهبری تشکل‌های
زرد حکومتی و لزوم
تقویت بنیه جنبش
کارگری - سندیکایی

در ماه‌های اخیر مخالفت مسئولان رژیم با خواست افزایش و ترمیم مزد به نارضایتی‌های کارگری در مراکز صنعتی-تولیدی و خدماتی ابعاد گسترده‌تری داده است. هم‌زمان موضوع اصلاح قانون کار و قوانین تأمین اجتماعی و نیز حرکت حساب‌شده دولت و مجلس برای اجرای برنامه آزادسازی مزد، شکاف میان بدنه و رهبری تشکل‌های زرد حکومتی را ژرف‌تر بخشیده است. اشرافیت کارگری به‌شدت فاسد و آلوده جمهوری اسلامی که رهبری تشکل‌های زرد و حکومتی‌ای مانند خانه کارگر، کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمن‌های صنفی و مجمع عالی نمایندگان کارگری را شامل می‌شود، با تپوتایی بسیار و بهره‌گیری از حمایت ارگان‌های امنیتی می‌کوشند با مانورهای فریبکارانه از ژرف‌تر شدن این شکاف مانع شوند.

برگزاری نشست شورای عالی کار در هفته‌های اخیر
و جلوگیری از ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایی،

تحریم، و مداخله امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

ادامه تأملی بر انزوای رهبری

طرح بحث ترمیم مزد در این نشست‌ها با "انتقاد" شماری از مسئولان ارشد تشکل‌های زرد حکومتی روبه‌رو شد. در واقع این "انتقادها" نه به طرح نشدن موضوع ترمیم و افزایش مزد سال جاری بلکه گلابه‌ای از دولت رئیسی و اتاق بازرگانی است که با این‌گونه "اقدام‌های سرسختانه" خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را هرچه بیشتر در میان توده‌های کارگر منزوی و رسوا می‌کند. انزوای تشکل‌های زرد حکومتی پویه‌ای با سابقه چندین ساله است که از خیزش آبان‌ماه ۱۳۹۸ و پس از آن جنبش زن، زندگی، آزادی به این سو تشدید شده و سرعت گرفته است. از جمله اقدام‌های به‌دقت محاسبه شده برای جلوگیری از انزوای رهبری تشکل‌های زرد موضوع‌گیری‌های عوام‌فریبانه و دروغین درباره "برنامه هفتم توسعه" و ترمیم مزد است. در این ارتباط علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر و چهره معتمد واحد اطلاعات سپاه پاسداران، در گفتگو با ایلنا، ۴ تیرماه سال جاری، پیرامون برنامه هفتم توسعه ضمن حمایت از سیاست‌های کلی نظام فریبکارانه بخش‌هایی از این برنامه را به‌زیر پرسش برده و با ابراز خرسندی از بازبینی برخی از مواد و تبصره‌های لایحه برنامه هفتم توسعه در مجلس می‌گوید: "امروز نیز سؤال ما همان سؤال هست. کارشناسان و مسئولان دولت بیایند پاسخ بدهند مدل توسعه مندرج در این برنامه توسعه چیست؟ ما امیدواریم که برای اطلاع مجلس نیز حداقل پاسخ این سؤال را بدهند. ... محبوب که خود در این مصاحبه تأکید می‌کند: "زمانی که برنامه سوم توسعه درحال طراحی بود، بنده نماینده مجلس بودم" به‌خوبی می‌داند به‌قول او مدل یا بهتر گفته باشیم الگوی تدوین برنامه‌های توسعه چیست؟ به‌خوبی می‌داند این برنامه‌ها از کجا و چگونه به حکومت جمهوری اسلامی دیکته می‌شود!

برای اینکه دروغ‌پردازی رهبران تشکل‌های زرد حکومتی را در معرض دید و تشخیص قرار داده باشیم لازم است یادآوری کنیم زمانی که فرمان سیاست‌های کلی نظام و ابلاغیه اصل ۴۴ از سوی ولی فقیه صادر شد، رهبری خانه کارگر به‌شمول علیرضا محبوب از آن حمایت و استقبال کردند. به‌طور مثال، خبرگزاری دولتی ایرنا، ۲۷ تیرماه ۱۳۸۵، از قول دبیرکل کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان آذربایجان شرقی و دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز که از افراد بانفوذ در رهبری خانه کارگر است، نوشت: "جامعه کارگری... از دستور اخیر مقام معظم رهبری در اجرای اصل ۴۴... استقبال کرده و آن را گامی در جهت سالم‌سازی محیط اقتصادی کشور در سطح کلان ارزیابی می‌کند. همچنین در ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۸۵ نیز دبیرکل و جمعی از رهبران خانه کارگر در دیدار "مسئولان و دست‌اندرکاران اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ با مقام رهبری" حضور داشتند و به‌قول خودشان به ابلاغیه ولی فقیه و الگوی برنامه‌های توسعه "لیک‌گفتند" [درجوع کنید به: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر خامنه‌ای - ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۸۵]. علاوه بر این‌ها، رهبری خانه کارگر و شخص علیرضا محبوب در تمام سال‌های پس از صدور ابلاغیه اصل ۴۴ ولی فقیه همواره از حامیان دیدگاه علی خامنه‌ای در زمینه مسایل اقتصادی بوده‌اند. آیا ابلاغیه سیاست‌های کلی ولی فقیه پایه و بنیاد برنامه‌های توسعه از جمله برنامه هفتم توسعه نیستند؟ به‌علاوه سیاست‌های کلی اقتصادی نظام برپایه دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی استوار است. آیا رهبران فاسد خانه کارگر که سال‌ها نیز در مجلس و دیگر دوایر حکومتی حضور داشته‌اند، از این امر آگاهی ندارند؟

بنابراین علیرضا محبوب به‌خوبی می‌داند الگو یا مدل برنامه هفتم توسعه چیست، چرا به‌اجرا درمی‌آید و حامی اصلی آن کدام مرکز قدرت در حکومت جمهوری اسلامی است. با آنچه مورد اشاره قرار گرفت باید تأکید کرد مواضع رهبری خانه کارگر و دیگر تشکل‌های زرد حکومتی پیرامون برنامه هفتم توسعه و مشکلات بی‌شمار کارگران و زحمتکشان کشور مانورهایی عوام‌فریبانه‌اند. علت این مانور دادن‌ها

نیز انزوای این رهبران فاسد در میان توده‌های کارگر است. علاوه بر این، یکی دیگر از علت‌های مهم چنین مانور دادن‌هایی را باید در تحول‌های صحنه سیاسی کشور جستجو کرد. سخنان فرمانده کل سپاه پاسداران در همایش مسئولان بسیج سراسر کشور که خبرگزاری ایسنا در ۱۰ مردادماه خبر آن را منتشر کرد، مؤید این ادعاست. فرمانده سپاه در این همایش اعلام کرد: "اغتشاشات سال گذشته، قوی‌ترین، خطرناک‌ترین، جدی‌ترین، نابرابرترین و وسیع‌ترین پیکار جهانی ضد نظام اسلامی... بود." او همچنین تأکید کرد: "هم‌اکنون در نقطه عزیمت جدی هستیم و دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند." رهبری خانه کارگر و علیرضا محبوب در چهارچوب همین سیاست امنیتی که فرمانده سپاه پاسداران بر آن تأکید کرده است اقدام می‌کنند و به مانورهایی فریبکارانه دست می‌زنند. انزوای رهبری تشکل‌های زرد و حکومتی هم‌زمان است با رشد اعتراض‌ها و ورود جنبش اعتراضی زحمتکشان به یک دوره نوین که می‌توان ویژگی آن را ناراضی و خشم روزافزون زحمتکشان و افزایش شمار اعتصاب‌های کارگری نامید. اعتصاب‌های کارگری در سراسر کشور در ابعاد گوناگون رخ می‌دهد. میزان اثرگذاری و تداوم این اعتصاب‌ها به سطح سازمان‌دهی، همبستگی و مشارکت فعال توده‌های کارگر در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها مرتبط است. از این‌رو، انزوای رهبری خانه کارگر و دیگر تشکل‌های دست‌ساز حکومتی بخشی از پویه ریزش نیرو در حاکمیت و جامعه است. نکته بسیار مهم در این میان استفاده هشیارانه حرکت‌های سندیکایی و مبارزان راستین جنبش کارگری و سندیکایی از این وضعیت است. تأکید بر حضور توده‌های کارگر و مبارزه خستگی‌ناپذیر برای ارتقای سطح سازمان‌دهی و دستیابی به اتحاد عمل فراگیر وظیفه‌هایی درنگ‌ناپذیر در این مرحله به‌شمار می‌آیند. درست در نقطه مقابل تبلیغات خانه کارگر و برخلاف تصور برخی هیچ اعتصاب، اعتراض، و به‌طورکلی مبارزه‌ای بی‌ثمر و بی‌حاصل نیست. هر اعتصاب حتی چندساعته، هر اعتراض هرقدر کوتاه‌مدت، یک تجربه و یک کسب آمادگی از سوی طبقه کارگر برای آغاز حرکت نه‌اجمی آینده و تأمین منافع صنفی و سیاسی‌شان است. ما در دوره‌ای که رشد اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها با وجود ضعف در سازمان‌دهی که از ویژگی‌های آن‌ها است به‌سر می‌پریم. باید از اقدام‌ها و حرکت‌های اعتراضی در چهارچوب منافع و مصالح آئی و آئی طبقه کارگر به‌دور از ذهنی‌گرایی و فرقه‌گرایی قاطعانه حمایت کرد و در جهت ارتقای سازمان‌دهی آن گام به‌پیش برداشت. این وظیفه درنگ‌ناپذیر در مرحله کنونی است که اعتصاب‌های بزرگ و کوچک را هم‌چون حلقه‌هایی به‌هم متصل کرد و با سازمان‌دهی و طرح شعارهایی مناسب و واقع‌بینانه جایگاه جنبش کارگری و سندیکایی را در پیکار با دیکتاتوری حاکم تقویت کرد. فراموش نکنیم که با افشای رهبری فاسد و الوده تشکل‌های زرد حکومتی بدنه این تشکل‌ها - بدنه به‌معنی توده‌های کارگر در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها که ارتباطی با رژیم و سیاست این تشکل‌ها ندارند - بیشتر و بیشتر می‌توانند به‌سمت حرکت‌های سندیکایی و تأکید بر خواست احیای حقوق سندیکایی جلب شوند. استفاده از همه امکانات و روزنه‌ها با توجه به چهار مشخصه اعتصاب‌های کارگری یعنی تشدید مبارزه، اتحاد عمل فراگیر، تلفیق مبارزه صنفی با مبارزه سیاسی، و استقلال عمل طبقاتی، مسیر ناهموار و گاه مسدود تأمین منافع صنفی و سندیکایی زحمتکشان و سپس منافع سیاسی‌شان را گشود. جنبش کارگری بخش جدایی‌ناپذیر و اصلی مبارزه همگانی بر ضد دیکتاتوری حاکم و امپریالیسم است. باید با همه توان مبارزه جاری زحمتکشان را تقویت و استحکام بخشید.



ادامه پویه پیدایش سندیکاها کارگری ...

هرچند با روی کار آمدن حکومت پهلوی فشارها بر کارگران افزایش یافت و برگزاری روز اول ماه "جرم" شمرده می‌شد، ولی با این حال و با وجود خطراتی چون دستگیری، اخراج از کار، شکنجه و زندانی شدن، کارگران در سال ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ نیز مراسم اول ماه مه را نیز برگزار کردند. اما گزمنگان رضا شاه یک روز پس از اول ماه مه سال ۱۳۰۶ با حمله به چاپخانه‌ها و پیدا کردن اعلامیه‌های روز کارگر، چند نفر از نمایندگان کارگران را بازداشت کردند که برخی از آن‌ها نزدیک به سه سال را در زندان‌های رضا شاه سپری کردند. به رغم تمامی فشارهای رژیم علیه کمونیست‌ها، حزب کمونیست ایران، سلف حزب توده ایران، در آبان‌ماه ۱۳۰۶ دومین کنگره‌اش را که به "کنگره ارومیه" شهرت یافت را برگزار کرد. این کنگره با موضع‌گیری قاطع علیه دیکتاتوری رضا شاه، در بخشی از مصوبه‌هایش چنین می‌نویسد: "سلطنت پهلوی نه فقط مسلوب بودن حقوق سیاسی، استثمار روزافزون اقتصادی، تعدی و اجحاف نسبت به ملل اقلیت و بالاخره فروتنی و فرمان برداری در مقابل امپریالیسم انگلیس را که از میزبان عصر قاجار بودند برطرف نموده بلکه خیلی از خصوصیات یک رژیم سیاسی وحشیانه‌تر و مخوف‌تری را به ظهور آورد."

در برنامه حزب کمونیست ایران بخشی جداگانه به اتحادیه‌های کارگری و مطالبات آن‌ها اختصاص داده شده بود که برخی از آن‌ها به شرح زیر بودند:

۱- آزادی کامل تشکیلات سیاسی و اتحادیه‌ها و کنوپراتیوها و اشکال دیگر تشکیلات صنعتی رنجبران
۲- حکومت و صاحبان کارخانجات باید رسماً اتحادیه‌های کارگران را مانند ارگان رسمی تشکیلات طبقه کارگر بشناسند

۳- آزادی اجتماعات و محافل

۴- آزادی میتینگ‌ها و نمایشات

۵- آزادی اعتصابات

۶- آزادی کامل برای مطبوعات کارگران

۷- هشت ساعت شدن مدت کار کارگران در هر روز

۸- دو برابر شدن مزد کار شبانه

و لغو کار کودکان، مرخصی با مواجب برای پیش و پس از زایمان، ذیحق بودن اتحادیه‌ها در عقد قراردادهای دسته‌جمعی با صاحبکاران و وضع میزان متوسط مزد توسط اتحادیه‌ها، برخی دیگر از برنامه‌های مختص کارگران بود.

پایان بخش نهم - ادامه دارد.

ادامه کارزار همبستگی فدراسیون ...

سوسیالیستی کوبا محکوم کرده و همچنان محکوم می‌کند. ما از مردم کوبا در مبارزه علیه این اقدام‌های غیرقابل قبول با تمام توان مان و با هر وسیله‌ای که در اختیار داریم حمایت می‌کنیم. ما لغو فوری و بدون قیدوشرط محاصره جنایتکارانه کوبا را خواستاریم، محاصره‌ای که در طول شش دهه مشکل‌هایی جدی برای اقتصاد و زندگی مردم کوبا به وجود آورده است. ما از حق مردم کوبا برای تصمیم‌گیری آزادانه و دموکراتیک درباره حال و آینده کشورشان و بدون دخالت امپریالیست‌ها حمایت می‌کنیم. تحریم‌ها را لغو کنید!

دبیرخانه فدراسیون جهانی سندیکاها کارگری [به‌تقل و برگردان به فارسی: سایت فدراسیون - ۲۷ تیرماه ۱۴۰۲].

ترجمه: <https://www.wftucentral.org/wftu>
solidarity-campaign-with-the-people-of-cuba/

چگونه خصوصی‌سازی بخش بهداشت و درمان فاجعه آفریده است!

با رشد نرخ تورم و گرانی کالاها و خدمات عمومی، موضوع افزایش سرسام‌آور قیمت دارو و درمان به بحث درباره فاجعه ناشی از خصوصی‌سازی بخش سلامت دامن زده است. اینک با اجرای جراحی اقتصادی، درمان و بهداشت بیش از گذشته چه در کلان شهرها و پایتخت و چه در مناطق محروم از دسترس مردم خصوصاً زحمتکشان خارج شده است. اخیراً چهار کودک در استان سیستان و بلوچستان در اثر مارگزیدگی و به‌علت نبود داروی پادزهر جان خود را از دست دادند. هر از چندگاهی هم خبرهایی دردناک در ارتباط با حمله گاندها به کودکان بی‌پناه در این استان منتشر می‌شوند. اگر بگوییم تنها این موارد برای محکومیت حکومتی که داعیه محروم‌پروری‌اش مدام در بوق و کرنا دمیده می‌شود کافی است، سخنی به‌گزارف نگفته‌ایم. گویا سرنوشت کودکان بلوچ این است که یا طعمه مار و عقرب و گاندها شوند یا در محاصره بلابای طبیعی محیط خشن خود و فقر و گرسنگی و انواع محرومیت‌های اجتماعی دوران کودکی‌شان را سپری کنند.

نماینده شرکتهای ایران‌شهر و سرباز در مجلس فرمایشی چندی پیش اعلام کرد در شهرستان راسک و سرباز با ۲۵۰ هزار نفر جمعیت تنها یک بیمارستان ۳۲ تختخوابی وجود دارد. در این میان امام‌های جمعه نیز با فریبکاری و اشک تمساح ریختن برای مردم اعتراف می‌کنند که رژیم حوزه درمان را به اقدامات خیرین واگذار کرده است و عملاً مسئولیتی در قبال مسایل و مشکلات درمانی مردم به‌عهده نمی‌گیرد.

البته نقص‌ها و کمبودهای امکانات درمانی به مناطق محروم محدود نبوده و تقریباً کل سیستم درمانی و بهداشتی دولتی و مراکز تامین اجتماعی را در سرتاسر کشور را دربرمی‌گیرد. کمبود تخت‌های بیمارستانی، فرسوده بودن دستگاه‌ها و تجهیزات درمانی، فرسوده بودن ساختمان بیمارستان‌های قدیمی، فرسوده بودن آمبولانس‌ها، کارایی نداشتن سیستم‌های تهویه و خنک‌کننده در تعداد بسیاری از بیمارستان‌ها و کمبود کادر درمان، ازجمله این نقص‌ها و کمبودها هستند. سخنان بابک قرانی، کارشناس حوزه درمان، به‌خوبی گویای بحران حاکم بر عرصه خدمات درمانی است. او می‌گوید: "بسیاری از بیمارستان‌ها در آستانه ورشکستگی هستند... وقتی بیمارستان‌های بزرگ کشور فاقد امکانات اولیه هستند وای به حال نقاط کم برخوردار و دور افتاده کشور. بیمارستان‌های جدید اغلب توسط خیرین ساخته و این پروژه‌ها با حمایت‌های خیرین اجرا می‌شود اما مسئولین توان نگه‌داری و حفظ این فضاها را ندارند" [نشریه آفتاب یزد، ۴ مردادماه ۱۴۰۲].

لازم به یادآوری است که وضعیت درمان در بیمارستان‌های خصوصی با بیمارستان‌های دولتی تفاوتی اساسی دارد. در میهن زیر سلطه رژیم نماینده کلان سرمایه‌دارانی که کسب سود حداکثر و به‌بهر قیمت هدف مقدس آنان است، حوزه درمان و بهداشت زحمتکشان نیز همچون معیشت، طبقاتی و در خدمت سودآوری است. هزینه‌های گزاف درمان در بیمارستان‌های خصوصی در عمل امکان‌های موجود در این بیمارستان‌ها را از دسترس بخش عظیمی از جامعه که هم‌اکنون در زیر خط فقر قرار گرفته‌اند خارج می‌کند، به‌ویژه اینکه بنا به‌گفته عیدعلی کریمی عضو تشکل ضد کارگری خانه کارگر که از عدم کارایی نداشتن مرکزهای درمانی وابسته به سازمان تأمین اجتماعی ناله و فغان سر می‌دهد، بیمارستان‌های خصوصی "بیمه تکمیلی و بیمه مادر را نمی‌پذیرند و کارگران و بازنشستگان مجبورند از جیب خود خرج کنند و بعد هم به سختی به دنبال زنده کردن پول‌شان بروند" [ایلنا، ۲۴ تیرماه ۱۴۰۲]. البته اگر در این "جیب" برای هزینه‌های هنگفت درخواستی در هنگام پذیرش و بستری کردن بیمار پولی وجود داشته باشد.

دید نسبت به حوزه درمان و سیاست حاکم بر آن، بر خلاف گفته‌های امام‌جمعه‌های زهدفروش و رباکاری‌های ولی فقیه زیر عنوان سیاست‌های ابلاغیه اصل چهل‌وچهارش، دید و سیاستی سوداگرانه و ضد انسانی است که امر درمان مردم را همچون معیشت آنان می‌خواهد به دست اقتصاد بازار آزاد بسپارد. حذف ارزش ترجیحی و اعمال سیاست تعدیل‌های اقتصادی در بخش درمان و سلامتی مردم تا کنون پیامدهایی منفی را به‌دنبال داشته‌اند که عبارتند از: افزایش هزینه‌های مرکزهای درمانی، کمبود کادر درمانی، پایین نگهداشتن دستمزدهای پرستاران، یعنی کسانی که نقش آنان در مبارزه با همه‌گیری کرونا و فداکاری‌های ستایش‌برانگیزشان در نجات جان بیماران بر کسی پوشیده نیست، و پایین نگهداشتن دستمزد پزشکان درمانی وابسته به سازمان‌های تأمین اجتماعی. این پیامدها از یک طرف کاهش دائمی کمیت و کیفیت خدمات درمانی را باعث شده و از طرف دیگر شرایط سخت و طاقت‌فرسایی را برای زحمتکشان شاغل در بخش درمان به‌وجود آورده است. فاجعه خودکشی ۱۳ کارآموز دوره پزشکی (رزیدنت) در یک سال، به‌خاطر فشار کاری، دستمزدهای پایین، نداشتن بیمه، و جز این‌ها، بیانگر فشارهای عمیق روانی و آسیب‌های ناشی از آن در محیط‌های درمانی است.

توزیع عادلانه امکانات و خدمات درمانی و برخورداری از درمان رایگان حق مسلم همه زحمتکشان در چهار گوشه میهن ماست. معضله‌های موجود در حوزه درمان، با "صدقه خیرین" حل‌شدنی نیستند.



سوی شهروندانی تشویق می‌شود که عضو حزب کمونیست ونزوئلا نیستند و بنابراین بدون هیچ‌گونه مشروعبیتی در زندگی داخلی ونزوئلا مداخله می‌کنند." سرانجام دیاز گزارش داد که شبیه آینده، ۱۲ اوت / ۲۲ مردادماه، به مناسبت هشتادوششمین سالگرد نخستین کنفرانس ملی حزب کمونیست ونزوئلا و صدمین سالگرد تولد رهبر برجسته و جان‌باخته کمونیست "البرتو لورا" مراسمی در تئاتر کانتاکلارو در کاراکاس برگزار خواهد شد.

او نتیجه‌گیری کرد: "با وجود طرح حمله به حزب کمونیست ونزوئلا، غصب موقعیت قانونی آن، و سپردن آن به گروهی از مزدوران فلاکت‌زده و قاچاقچیان سیاسی، ما کمونیست‌ها به توسعه برنامه مبارزه خود ادامه می‌دهیم. امروز مانند ۸۶ سال پیش، ما همچنان چهره خود را نشان خواهیم داد." [منبع نقل و برگردان به فارسی: سایت حزب کمونیست ونزوئلا- ۱۶ مردادماه ۱۴۰۲].



حزب کمونیست ونزوئلا: به اعمال فشار بر کارگران و مبارزان سندیکایی ونزوئلا پایان دهید!

تشدید سیاست جرم‌انگاری کارگران ونزوئلا

حزب کمونیست ونزوئلا محاکمه‌ای را که به تازگی به محکوم شدن به ۱۶ سال زندان برای شش فعال اجتماعی و سندیکایی از جمله رئیس فدراسیون کارگران دادگاه‌ها و یکی از اعضای کنفدراسیون اتحادیه‌های خودمختار ونزوئلا منجر شد، زیر سؤال برد. ماریبل دیاز، یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست ونزوئلا گفت: "وکیل مدافع و خانواده‌های‌شان ابراز می‌کنند که این شهروندان به رهبری اعمال توطئه‌آمیز بدون مدرک متهم شده‌اند." دیاز افزود: "روالی که دنبال می‌شود، تصمیم را ضعیف می‌کند. حزب کمونیست ونزوئلا، بدون در نظر گرفتن جهت‌گیری سیاسی این شش فعال، تخلف‌های روند دادرسی در این پرونده را رد می‌کند." حزب کمونیست ونزوئلا نسبت به تشدید سیاست جرم‌انگاری کارگران و تداوم نقض قانون اساسی از سوی مقام‌های دولتی نگرانی‌اش را ابراز کرد. دیاز یادآور شد: "و این است که نقض قانون اساسی در همه سطوح است. به‌عنوان مثال، امروز، کارکنان بخش آموزش، زمانی که به لطف یادداشت مصیبت‌بار ۲۷۹۲ و دستورالعمل اوناپره که با خشونت بر کارگران تحمیل می‌شود و از آن رنج می‌برند، پاداش مرخصی کاهش یافته دریافت می‌کنند." دیاز همچنین به اظهارنظرهای اخیر فرماندار ایالت تروخیو، خراردو مارکز، اشاره کرد که از اعضای حزب دولتی خواسته بود هر کسی را که با سیاست دولت مخالف است با خشونت اخراج کنند. او گفت: "دادستان کل می‌بایست تحقیقات را آغاز کند، زیرا این با رفتار دموکراتیک که باید یک فرماندار و همچنین هر مقام دولتی را متمایز کند، در تضاد است." از سوی دیگر، حزب کمونیست ونزوئلا گزارش داد که در دوم ماه اوت / ۱۰ مردادماه، تشکل‌های عضو اجلاس ملی در دفاع از حقوق مردم در مقابل [نهاد] بازرسی کل جمهوری تجمع کردند و پاسخ بموقع به اختلاس‌های صنعت نفت و مشارکت مقام‌های ارشد دولتی از جمله مانوئل کوودو، اسدروبال چاوز، و طارک ال ایسامی را خواستار شدند.

هشتادوششمین سالگرد کنفرانس ملی حزب کمونیست ونزوئلا

دفتر سیاسی از نمونه‌های متعدد همبستگی ملی و بین‌المللی که همچنان در رد مانور قضایی دولت نیکلاس مادورو برای حمله به حزب کمونیست ونزوئلا ادامه دارند، سیاست‌گذاری کرد.

دیاز توضیح داد: "ما در برابر افکار عمومی ملی و به‌ویژه در برابر دادگاه عالی اصرار داریم که اقدام حفاظت از قانون اساسی که از سوی مزدوران در خدمت دولت حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا صورت می‌گیرد، یک عمل حادثه‌جویانه است، زیرا فاقد اساس، دلیل، و انگیزه است و همچنین از

کارزار همبستگی فدراسیون جهانی با مردم کوبا

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری به مناسبت ۲۶ ژوئیه- سالگرد حمله به پادگان مونکادا در سانتیاگوی کوبا- کارزار پخش وسیع پیام همبستگی بین‌المللی با مردم کوبا با پیام کوبا تنها نیست را سازمان‌دهی کرده است.

۲۶ ژوئیه آغاز تالاشی انقلابی برای سرنگونی دیکتاتوری باتیستا بود. این امر کارگران را در سراسر جهان امیدوار کرده و نشان داد که مردم می‌توانند استثمارگران را شکست دهند و می‌توانند جامعه‌ای عاری از استثمار ایجاد کنند. در این روز ما یاد و خاطره انقلابیونی که برای بیرون راندن دشمنان خلق‌ها جنگیدند را گرامی می‌داریم و برای دهه‌ها شواهدی انکارناپذیر ارائه کردند که جامعه‌ای غیر از جامعه سرمایه‌داری هم امکان‌پذیر است. باید به فداکاری‌های آنان همیشه ارج گذاشته شود زیرا برای مبارزات امروز طبقه کارگر در سراسر جهان علیه بربریت سرمایه‌داری روشنایی بخش است.

مردم کوبا به‌رغم گذشت دهه‌ها از پیروزی انقلاب هنوز علیه امپریالیسم و مداخله‌ها، محاصره، و تحریم‌های اعمال شده از سوی آن مبارزه می‌کنند. سرمایه‌داران از کوبای انقلابی خشمگین هستند زیرا انقلاب کوبا ثابت می‌کند کارگران می‌توانند بجنگند و بر آنان پیروز شوند. ثابت می‌کند که طبقه کارگر می‌تواند رسالت تاریخی‌اش را به‌انجام رساند و می‌تواند جامعه‌ای انسان‌محور و عاری از استثمار انسان از انسان را بسازد، جامعه‌ای که با وجود همه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی، برای ملت‌های دیگر به‌جای گسیل نیروی نظامی و ارسال بمب، کمک‌هایی انسانی، ابراز همبستگی، و پزشکی و دارو می‌فرستد. جامعه‌ای که رشد و توسعه آن در خدمت نیازهای مردم خود است و نه در خدمت منافع شرکت‌های چند ملیتی. مردم قهرمان کوبا در طول این سال‌ها بر همه نامالیامات، مشکلات، و حمله‌ها غلبه کرده و به مقاومتش ادامه خواهد داد.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری حمله جدید غیرقابل قبول پارلمان اروپا علیه کوبا را محکوم می‌کند. قطعنامه جدید پارلمان اروپا، تلاش‌های اتحادیه اروپا، حمله و تضعیف دستاوردهای مردم کوبا را تشدید می‌کند، مردمی که بیش از شش دهه است که از محاصره جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و متحدانش رنج می‌برند. درحالی که سندیکاهای کارگری به‌وضوح و قاطعانه محاصره جنایتکارانه را محکوم کرده، در کنار مردم کوبا ایستاده، و حمایت و همبستگی بدون قیدوشرطشان را اعلام می‌کنند، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و کنفدراسیون اتحادیه‌های اروپایی، اگرچه ریاکارانه از حقوق و آزادی‌های بشر سخن به‌میان می‌آورند، اما با اقدام‌ها وسکوت‌شان درعمل با مداخله‌های امپریالیستی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه مردم سرفراز کوبا هم‌سو می‌شوند.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و میلیون‌ها کارگر عضو آن با مردم کوبا هم‌صدا شده و پایان فوری و بدون قیدوشرط تحریم‌ها و بازگشت گوانتانامو به خاک کوبا را خواستارند. جنبش جهانی سندیکایی به‌صراحت تحریم خفقان‌آور و مانورهای مداخله‌جویانه ایالات متحده آمریکا را از همان آغاز انقلاب

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

17 July 2023

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727



ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۷۵
Nameh Mardom - Workers Supplement No.74